گذر

رییس هیات تحقیق و تفحص از یک خودروسازی اعلام کرد

تابعیت دوگانه برخی مدیران «سایپا»

■ **فارس:** رییس هیات تحقیق و تفحص از سایپا از تابعیت دوگانه مدیران ارشد سایپا خبر داد و گفت: تعداد کثیری از اقوام درجه یک جریان انحرافی از جمله دختران و پسران آنها در سمت‌های حساس مدیریتی گروه خودروسازی سایپا استخدام شده‌اند. رییس هیات تحقیق و تفحص از گروه خودروسازی سایپا در یک نشست خبری با تاکید بر اینکه هیچ نظارت دقیقی بر گردش مالی ۱۰هزار میلیارد تومانی گروه خودروسازی سایپا وجود نداشته، گفت: اگر بحث سایپا مهم‌تر از اختلاس سه‌هزار میلیارد تومانی نباشد، قطعا کوچک‌تر از آن نیست. او با بیان اینکه «اکثریت هیات مدیره و حسابرسی گروه خودروسازی سایپا متاثر از مدیرعامل این شرکت است»، از آیت‌الله آملی‌لاریجانی رییس قوه‌قضاییه خواست همانند اختلاس اخیر، شعبه ویژه‌ای را مامور رسیدگی به وضعیت سایپا کند تا حقوق مردم، سهامداران سایپا و کارکنان این شرکت تضییع نشود. قاضی‌پور با بیان اینکه مدیرعامل سایپا اقداماتی انجام داده که به موجب آن ظاهری قانونی اما باطنی مساله‌دار دارد، گفت: مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا باید به مردم پاسخ دهد که چه کسی یا چه کسانی یا چگونه می‌توانند او را از سمت مدیرعاملی سایپا برکنار کنند. رییس هیات تحقیق و تفحص از گروه خودروسازی سایپا، از تابعیت دوگانه مدیرعامل و برخی از مدیران ارشد شرکت سایپا خبر داد و گفت: به عنوان نماینده مردم نگران تکرار وضعیت خاوری هستم، بنابراین از مسوولان محترم دادستانی می‌خواهم با اتخاذ تدابیر لازم پیشگیری‌های لازم را برای تکرار نشدن موضوع آقای خاوری انجام دهند. وی افزود: رییس هیات مدیره و مدیر بازرسی گروه خودروسازی سایپا بازداشت و با وثیقه شش میلیارد تومانی آزاد شده است که یکی از آنها اخراج شده و دیگری اکنون در حال فعالیت است. قاضی‌پور با بیان اینکه مدیرعامل سایپا باید نسبت به دارایی‌های خود در خارج از کشور به مردم اطلاع‌رسانی کند، گفت: مدیرعامل سایپا باید به مردم بگوید که اگر سپرده‌ای در خارج از کشور دارد، میزان آن چقدر بوده و در کدام کشورها و در کدام بانک‌ها و به نام چه کسی است.

استخدام اقوام درجه یک جریان انحرافی

قاضی‌پور با بیان اینکه تعداد کثیری از اقوام درجه یک جریان انحرافی از جمله دختران و پسران آنها در سمت‌های حساس مدیریتی گروه خودروسازی سایپا استخدام شده‌اند، گفت: به نظر می‌رسد مدیرعامل سایپا، گروه خودروسازی سایپا را ملک شخصی خود می‌داند که این‌گونه برخورد می‌کند. قاضی‌پور در پاسخ به سوالی درباره جزییات بیشتری از تحقیق و تحفص از گروه خودروسازی سایپا گفت: طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، گزارش تحقیق و تفحص ابتدا باید در صحن علنی قرائت شود و ارایه اطلاعات و جزییات تحقیق و تفحص قبل از قرائت در صحن علنی ممنوعیت قانونی دارد.

او در پاسخ به سوال دیگری درباره ابهامات هیات تحقیق و تفحص از سایپا گفت: شایبه نحوه واگذاری سهام و گردش مالی، سوالات و ابهاماتی را برای ما به‌وجود آورده که ما پیگیر هستیم و قطعا موضوعات را به اطلاع مردم خواهیم رساند. رییس هیات تحقیق و تفحص از گروه خودروسازی سایپا با بیان اینکه این هیات با حسن نیت کامل و با رعایت بی‌طرفی کامل به موضوع تحقیق و تفحص از نحوه خرید سهام و پرداخت آن رسیدگی خواهد کرد، گفت: انتظار داریم همانند مخابرات و بیشتر تحقیق و تفحص‌هایی که مجلس انجام داده، گروه سایپا نیز با حسن نیت و همکاری با ما رفتار کند.

مجلس گردن «گردن‌کلفت‌ها» را می‌شکند

قاضی‌پور با بیان اینکه «مجلس هر گردن کلفت را که در برابر خواست مردم و قانون مقاومت کند، خواهد شکست»، از عدم همکاری گروه خودروسازی سایپا با هیات تحقیق و تفحص مجلس به‌شدت انتقاد کرد و گفت: متاسفانه سایپا اطلاعیه‌های هیات تحقیق و تفحص مبنی بر دعوت از کارکنان این شرکت برای ارایه اطلاعات به هیات را در محل فعالیت کارکنان نصب نکرده است.

سایپا به مکاتبات هیات تفحص پاسخ نمی‌دهد

او با بیان اینکه گروه سایپا به مکاتبات هیات تحقیق و تفحص پاسخگو نبوده، تصریح کرد: متاسفانه شاهد سرپیچی کامل گروه خودروسازی سایپا از ارایه اطلاعات مالی به هیات تحقیق و تفحص بودیم و در مقابل پاسخ‌های وارونه و خلاف قانون به درخواست‌های قانونی هیات تحقیق و تفحص شنیده‌ایم که موجب تاثر و تاسف شده است. رییس هیات تحقیق و تفحص از گروه خودروسازی سایپا با بیان اینکه مدیران سایپا تصور می‌کنند که هیات تحقیق و تفحص می‌خواهد از ملک شخصی شش دانگ آنها تحقیق و تفحص کند، گفت: بنده به عنوان رییس هیات تحقیق و تفحص از همه سهامداران، شاکیان و دیگر کسانی که درباره سایپا اطلاعات دارند، درخواست می‌کنم شکایات و درخواست‌های خود را به هیات تحقیق و تفحص ارایه کنند. قاضی‌پور با بیان اینکه هیات تحقیق و تفحص هنوز به پاسخ سوالات خود درباره ابهامات موجود در گروه خودروسازی سایپا نرسیده، گفت که گزارش اولیه تحقیق و تفحص از سایپا هفته آینده در کمیسیون صنایع مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وی همچنین گفت که کارشناس و حسابرس رسمی دادگستری، گزارش‌های هیات تحقیق و تفحص را بررسی کرده است. رییس هیات تحقیق و تفحص از گروه خودروسازی سایپا ضمن درخواست مسوولان مربوطه برای مقابله با تکرار وضعیت خاوری گفت: مردم مطمئن باشند اگر مسوولان مربوطه همکاری لازم را با هیات تحقیق و تفحص انجام دهند، از آنها تقدیر و فعالیت مناسب آنها را نیز به مردم گزارش خواهیم کرد اما اگر خدایی نکرده خلاف این باشد، قطعا ضمن گزارش از مردم اشد مجازات برای متخلفان را درخواست خواهیم کرد.

ضعف تولید، بسترساز اختلاس

محمد شهاب*

چه می‌شود که فساد در اقتصاد رشد می‌کند؟ آیا سهم اشخاص در فساد و دزدی بیشتر است یا عوامل دیگری سهم بیشتری در این زمینه دارند؟ این یادداشت درصدد است، رونمایی دیگری از اختلاس را بیان کند.

در علم گفته می‌شود سهم اشخاص در ارتکاب جرم و دزدی کمتر است و بیشتر سهم مربوط به بستری است که سبب ایجاد و رشد انگیزه‌های فساد می‌شود. پس از آشکارشدن اختلاس سه‌میلیارد دلاری واکنشی که دولت نشان داد واکنش برخورد با اشخاص بود. عزل و استعفا و... در دستور کار قرار گرفت ولی آیا با عوض شدن مدیرعامل و...، اقتصاد ایران از معرض فساد و دزدی رهایی می‌یابد؟ سهم اشخاص در اقتصاد ایران نمی‌تواند بیشتر از ۱۵درصد باشد و بقیه سهم بر عهده ترتیبات نهادی و سیاست‌های اقتصادی است که متاسفانه هیچ نگاهی به این قضیه نمی‌شود. چندی پیش پایین بودن نرخ بهره دلیلی برای اختلاس در اقتصاد ایران توسط حجت‌الاسلام پورمحمدی ذکر شده بود ولی ابعاد قضیه خیلی فراتر از پایین بودن نرخ بهره است. چه چیزی سبب شده که بازار پول دچار عدم تعادل شدید به سود تقاضای پول شود؟ چه چیزی سبب شده فعالیت‌های سوداگری و دلالی رونق یابد؟ چه چیزی سبب شده بازار رباخواری رونق پیدا کند؟ پاسخ به این سوال‌ها یعنی پاسخ به چرایی شکل‌گیری فساد در اقتصاد ایران. علت وجود فساد از سویی و وجود سوداگری در اقتصاد ایران از سوی دیگر به ناکارآمدی بخش تولید و طرف عرضه اقتصاد ایران برمی‌گردد. اعمال شوک‌های متعدد به بخش تولید سبب از بین رفتن و ناکارآمدتر شدن بخش تولیدی شده است. به موازات ضربه‌خوردن به بخش‌های تولیدی، دزدی و فساد و سوداگری و رباخواری رونق می‌گیرد. زمانی که تولید، اشخاص را به پول نمی‌رساند، افراد از خود پول، پول می‌سازند. پول را در بازار غیررسمی با نرخ‌های بالا خریداری می‌کنند (بازار رباخواری) و با خرج کردن آن در فعالیت‌های نامولد، از پول، پول می‌سازند. یک عده از راه رباخواری پول‌های خود را افزایش می‌دهند و یک عده از راه دزدی و اختلاس. چرا؟ زیرا بنیه تولید وقتی ضعیف باشد و از طریق شوک‌های متعدد ضعیف‌تر شود، عاملی برای افزایش روحیه سوداگری و دزدی در جامعه می‌شود، چراکه ارتباط تولید و پول را از بین می‌برد و زمانی که اقتصاد از تولید کناره‌گیری کند به سمت فعالیت‌های ناصواب هدایت می‌شود. حال به فرض اگر در برابر این اختلاس با اشخاص برخورد شود و افراد برکنار شوند چه سودی برای اقتصاد دارد؟ بستر فساد و رباخواری همچنان فراهم است. حال اگر نخواهیم این بستر را بخشکانیم و بخواهیم از طریق افزایش نرخ بهره (به عقیده عده‌ای) جلوی اختلاس را بگیریم، خود عاملی برای افزایش اختلاس در آینده خواهد شد، چراکه بسترها و زمینه‌های اختلاس را از طریق اعمال شوک دیگر به بخش تولید فراهم کرده‌ایم. شاید در ذهن‌ها این باشد که چه ارتباطی بین شوک به بخش تولید و ناکارآمدتر شدن بخش تولید وجود دارد و شاید این را بگویید که اتفاقا شوک اگر خوب باشد، عاملی برای رشد اقتصاد و بالندگی اقتصاد را فراهم می‌آورد (شوک درمانی). همه چیز را در اقتصاد باید طبق شرایط توالی بررسی کرد، به این معنا که شوک می‌تواند در اقتصادی خوب ولی در یک اقتصاد دیگر بد باشد. اقتصادی که تولیدش بر پایه نوآوری و بهره‌وری شکل نگرفته است، شوک نمی‌تواند آن را کارآمد کند. بهره‌وری درست زمانی محقق می‌شود که در سایه یارانه و دیگر حمایت‌های دولت قرار گیرد. یک بنگاه زمانی که از دانش و نوآوری در تولید خود استفاده می‌کند، در ابتدای امر هزینه‌های تولیدش افزایش می‌یابد (چراکه دانش کالای گرانی است) و به همین علت ممکن است بازار خود را از دست بدهد. در چنین شرایطی یارانه موضوعیت می‌یابد ولی این یارانه مقطعی و به شرط استمرار روند نوآروی در تولید است. رفته‌رفته با مواجه‌شدن بنگاه با اثرات ملموس (صرفه‌های ناشی از مقیاس) و ناملموس (انباشت دانش) اقتصادی، بنگاه با هزینه‌های پایین روبه‌رو شده، بنابراین پس از سرشکن شدن هزینه‌ها، یارانه‌ها نیز قطع می‌شود. بر همین اساس یارانه سبب افزایش بهره‌وری می‌شود، اگر در کنار بهره‌وری، تحقیق و توسعه صورت گیرد. پس برای اینکه بهره‌وری در تولیدی محقق شود، اول باید کاری کرد که بستر نوآوری و خلاقیت شکل گیرد و چنین چیزی از طریق سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه صورت می‌گیرد. قدم بعد دادن یارانه برای کمک ابتدایی به بنگاه است تا هزینه‌های بالای نوآوری و دانش ابتدایی سبب‌گران‌شدن کالا و از دست دادن مصرف‌کننده‌ها نشود.

ولی در اقتصاد ایران دولت در امر تحقیق و توسعه به علت داشتن نفت سرمایه‌گذاری چندانی نکرده و به همین دلیل بخش‌های تولیدی وابسته به فرآورده‌های ناشی از تحقیق و توسعه خارجی بوده‌اند. این نیاز سبب شده به دنبال ارز برویم و برای این کار به توسعه صادرات نفت همت بگماریم. یعنی از همان ابتدا کار درست را انجام نداده و پیاپی مجبور شدیم کار اشتباه را انجام دهیم. وابستگی به نفت و ارز سبب شد، نفت همه چیز اقتصاد ایران شود به‌گونه‌ای که اگر روزی قیمت نفت کاهش پیدا می‌کرد، تولید در خطر می‌افتاد. نفت به هیچ‌وجه بهره‌وری و کارآمدی را به بخش‌های تولیدی هدیه نکرد و اتفاقا عاملی برای کاهش بهره‌وری در اقتصاد ایران شد. نفت با وابسته کردن دولت و اقتصاد ایران به خود، تحقیق و توسعه را در اقتصاد ایران خشکاند و بنابراین بسترهای نوآوری و کارآفرینی و خلاقیت را در اقتصاد ایران کور کرد چراکه سرچشمه این بسترها خشکیده شده بود. در چنین شرایطی به علت وابسته‌شدن به نفت، تولید و طرف عرضه اقتصاد ایران با پایه‌های وابسته و فرآورده‌های ناشی از تحقیق و توسعه خارجی به کار خود ادامه می‌داد. این روند به وابسته و ناکارآمدترشدن بخش‌های تولیدی منجر شد و نهایتا یارانه‌ها به سرپوشی برای این ناکارآمدی تبدیل شدند. لذا یارانه‌ها وضع نشد که هزینه‌های ناشی از بهره‌وری و دانش را کاهش دهد بلکه برای اینکه هزینه‌های ناشی از ناکارآمدی را کاهش دهد، وضع شد. به بیان دیگر یارانه‌ها جبرانی برای این ناکارآمدی‌ها بوده، لذا به هیچ‌وجه به معنای حمایت‌هایی که در نهایت منجر به بهره‌وری شود، نبوده است. حال که این حمایت‌ها نیز حذف شده، مشکلات بخش تولید تشدید شده، چراکه بستری برای بهره‌وری در اقتصاد ایران مهیا نشده و با حذف حمایت‌ها نه تنها بخش‌های تولیدی را در مشکلات خود تنها گذاشته‌ایم بلکه با اعمال شوک‌های دیگر (افزایش نرخ ارز و اثرات شوک‌درمانی) مشکلات آنها را نیز تشدید کرده‌ایم. دقت کنید یارانه خوب نبود ولی عدم پرداخت یارانه اقدام بدتری بود. اقدام خوب این بود که در کنار یارانه، دولت در امر تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کرد تا از این رهگذر به دانش و تکنولوژی بومی دست یابیم نه اینکه کلا هیچ حمایتی نکند تا تولید به ورشکستگی منتهی شود و بستر رباخواری و اختلاس (به جای بستر نوآوری و خلاقیت) پا بگیرد. عدم وجود بسترهای لازم برای نوآوری سبب شده با تشدیدشدن مشکلات بخش‌های تولیدی، بسترهای اختلاس و فساد و سوداگرای نیز در اقتصاد ایران رواج یابد. حال شما بگویید راه‌حل چیست؟ آیا نباید هرچه زودتر به سمت پویایی بخش تولیدی حرکت کنیم؟ آیا این امر از طریق حمایت‌های مادی و کیفی (سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه) مهیا نمی‌شود؟ آیا بهتر نیست درآمدهای نفت به جای آنکه صرف یارانه نقدی مردم شود، در امر تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری شود؟ آیا بهتر نیست صندوق توسعه ملی در خدمت کارآفرینان قرار گیرد، به جای آنکه از آن هم به عنوان منبعی برای یارانه نقدی مردم استفاده کنیم؟ اگر این کارها زودتر صورت نگیرد به عقیده نگارنده فاجعه انسانی در اقتصاد ایران ایجاد خواهد شد؛ فاجعه‌ای که من نام آن را خواهم گذاشت ایران جزیره‌ای برای فروش محصولات مصرفی و واسطه‌ای خارجی و تامین‌کننده مواد اولیه برای رشد کشورهای دیگر.

*کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع)

بانک‌ها به فکر تولید باشند

فاطمه دانشور*

این روزها دریافت تسهیلات بانکی به هفت‌خوانی برای صنایع تبدیل شده است. با وجود نقش قابل توجه صنایع در اقتصاد کشور دریافت تسهیلات از بانک‌ها همچنان به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل صنایع گوناگون کشور پابرجاست. بروکراسی سخت اداری در روند ارایه تسهیلات باعث شده این مقوله به فرآیندی زمان‌بر تبدیل شود. در شرایطی که در سایر کشورها دریافت تسهیلات یا گشایش اعتبار به مدتی حداکثر چند هفته نیاز دارد، این امر در کشورمان ماه‌ها به طول می‌انجامد و همین امر تولیدکننده و صنعتگر را با مشکلات متعددی مواجه می‌کند. البته این امر تبعات منفی را برای موسسه‌های مالی و اعتباری به همراه خواهد داشت و آن دور زدن قوانین و به وجود آمدن تخلفات بانکی است. اگرچه از نظارت در فرآیند اعطای تسهیلات نیز نباید غافل بود تا منابع مالی در نهایت به دست تولیدکننده واقعی برسد. از سوی دیگر حجم بالای درخواست‌کنندگان تسهیلات بانکی باعث شده بانک‌ها نیز توان پاسخگویی به متقاضیان را نداشته باشند. در چنین شرایطی چاره کار صنعت و معدن کشور چیست؟ بدون شک صنعت و معدن به‌عنوان موتور محرک اقتصاد کشور محسوب می‌شود که رشد تولید آنها، شکوفایی اقتصاد کشور را به همراه خواهد داشت. رشد اقتصادی نیز تنها از طریق سرمایه‌گذاری محقق می‌شود. بنابراین اگر دولت سیاستی را اتخاذ کند که سرمایه لازم به بخش صنعت تزریق شود، شاهد رشد اقتصادی خواهیم بود. در این راستا بانک‌های دولتی باید موظف شوند که بخشی از منابع مالی خود را به صورت تسهیلات بلندمدت در صنایع تزریق کنند، البته باید اصلاحاتی در ساختار ارایه تسهیلات صورت گیرد. به‌عنوان نمونه نرخ بالای بهره بانکی باعث شده صنایع کشور رقابت‌پذیری خود را در عرصه جهانی از دست دهند. در شرایطی که سایر کشورها از تسهیلاتی با نرخ بهره سه تا چهار درصد برخوردارند، بخش صنعت کشورمان برای دریافت تسهیلات باید پرداخت سودهای ۳۰درصدی را متحمل شود که همین امر باعث می‌شود در عرصه جهانی حرفی برای گفتن نداشته باشد. از سوی دیگر هرچند سرمایه‌گذاری در صنعت و معدن رشد متوازن اقتصادی را به همراه خواهد داشت، اما بازگشت سرمایه آن در درازمدت محقق خواهد شد، بنابراین تسهیلات آن نیز باید در قالب تسهیلات درازمدت ارایه شود. نکته قابل توجه دیگر نحوه تعیین سود تسهیلات بانکی است که به بازنگری‌های اساسی نیاز دارد. اگر میان بانک‌ها و صنایع، منافع مشترک تعریف شود، بسیاری از مشکلات این بخش به صورت ناخودآگاه حل خواهد شد. اگر ساختار موجود به‌گونه‌ای تعریف شود که بانک‌ها سود تسهیلات خود را از سود حاصل از پروژه‌های صنعتی دریافت‌کننده تسهیلات اخذ کنند، بسیاری از دشواری‌های بازپرداخت تسهیلات از بین می‌رود. در حال حاضر، با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، بسیاری از واحدهای صنعتی و معدنی با افزایش هزینه مواجه شده‌اند که این امر باعث پایین آمدن حاشیه سود آنها شده است. بنابراین ممکن است در کوتاه‌مدت و حداقل تا زمانی که خود را با شرایط ایجاد شده انطباق دهند، با بحران‌های مالی مواجه باشند، اما در درازمدت با شرایط موجود منطبق‌شده، چرخه فعالیت آنها به حالت عادی بازمی‌گردد. اگر بانک‌ها در سود و زیان واحدهای صنعتی و معدنی به‌عنوان پروژه‌هایی درازمدت مشارکت داشته باشند و با حمایت‌های مالی خود، زمینه رشد تولید این واحدها را فراهم آورند، در چشم‌انداز روشن آنها نیز سهیم خواهند بود. در این میان بیشترین سنگینی بار ارایه تسهیلات به دوش بانک‌های دولتی است. موسسه‌های دولتی ذاتا غیرانتفاعی تعریف شده‌اند، اما این روزها شاهد سودآوری بانک‌های دولتی هستیم. بنابراین در چنین شرایطی که تولید بیش از هر چیز به حمایت و تزریق منابع مالی نیاز دارد، بانک‌ها نیز باید اندکی از سودآوری خود کاسته و به فکر تولید باشند. اگر بانک‌های دولتی چنین رویکردی را در پیش گرفته و ملزم شوند که بخشی از منابع مالی خود را به تولید اختصاص دهند، چرخه تولید نیز به حرکت درخواهد آمد.

*عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران

خبر

تعرفه گاز سرما تغییری نکرده است

■ **ایسنا:** با وجود تغییرات صورت‌گرفته در اقلیم‌بندی مشترکان گاز، پایتخت‌نشینان امسال با هیچ تغییری در محاسبه قبض‌های خود مواجه نیستند و قیمت گاز در قبض‌های آنها همانند سال گذشته اعمال خواهد شد. امسال با نزدیک‌شدن به فصل سرد سال، بار دیگر بحث تعرفه‌های جدید مطرح شده است و مسوولان شرکت ملی گاز از کاهش پنج اقلیم به چهار اقلیم خبر داده‌اند، اما با این وجود شهر تهران که در اقلیم سوم قرار داشت، همچنان در همان اقلیم باقی می‌ماند و به این ترتیب نحوه محاسبه گازبهای مشترکان پایتخت‌نشین امسال هم مانند سال گذشته خواهد بود و این جمعیت ۱۲میلیونی نباید منتظر کاهش قیمت در قبض‌هایشان باشند. البته تهرانی‌ها این نکته را هم باید به یاد داشته باشند که اگرچه در سال گذشته تنها در بخشی از فصل سرد (پس از آذرماه و با اجرایی شدن هدفمندی یارانه‌ها) قبض‌هایشان با این تعرفه‌ها صادر شده، اما امسال از اول آبان‌ماه تعرفه‌های فصل سرد برای تمام مشترکان اعمال خواهد شد. براساس اقلیم‌بندی‌های سال گذشته، ساکنان اقلیم اول می‌توانند تا سقف ۳۰۰مترمکعب، ساکنان اقلیم دوم تا سقف ۲۵۰، منطقه سوم ۲۰۰مترمکعب و منطقه چهارم تا سقف ۱۵۰مترمکعب گاز مصرف کنند و پس از این میزان گازبهای این واحدها به صورت پلکانی افزایش خواهد یافت.

پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس:

معافیت مالیاتی آستان قدس‌رضوی لغو شود

■ **قانون:** مرکز پژوهش‌های مجلس خواستار لغو معافیت مالیاتی برخی نهادها از جمله آستان قدس رضوی شد. در گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده است در حالی معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی برقرار است که این آستان دارای ۴۴ موسسه و شرکت با صددرصد سهام و ۶۰ موسسه و شرکت با کمتر از ۵۰درصد سهام است. مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد داده است با توجه به فعالیت اقتصادی آستان در بخش‌های صنعتی و معدنی، کشاورزی و دامپروری و فعالیت‌های خدماتی، عمرانی و درمانی، معافیت‌های مالیاتی این‌گونه نهادها به نوعی موجب تبعیض و مختل‌کننده اصل رقابت در اقتصاد است و بر اساس عدالت اقتصادی، لغو این‌گونه معافیت‌ها با کسب نظر از مقام معظم رهبری، در موارد تحت نظر ایشان مناسب به نظر می‌رسد. در این گزارش همچنین با انتقاد از وضعیت موجود معافیت‌های مالیاتی اشاره شده است که تصمیم‌گیری درخصوص قوانین مالیاتی به عهده یک مرجع قانونی مشخص نیست.

واردات ۱/۴میلیارد دلاری غلات به کشور
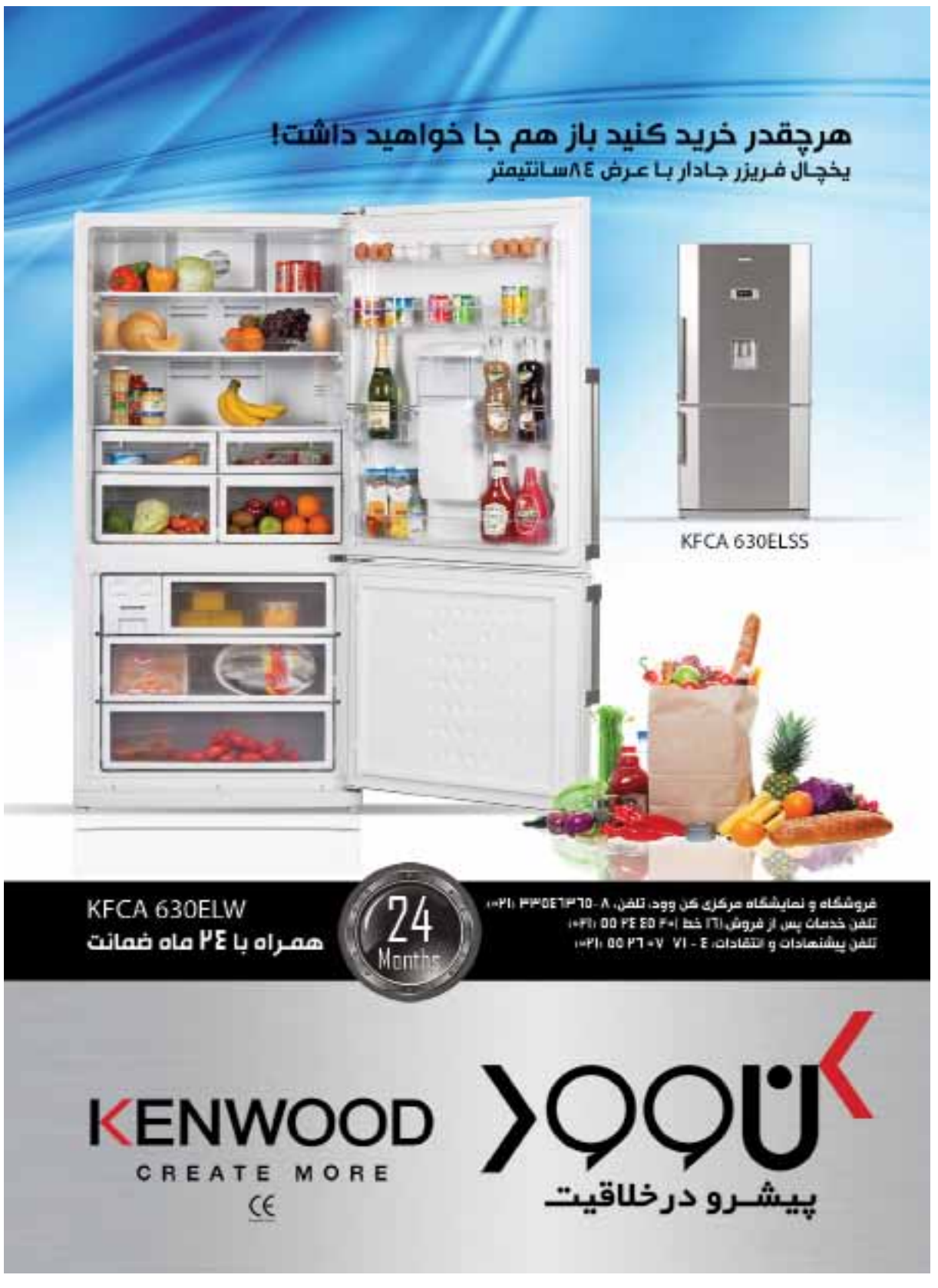
ایسنا: در نیمه نخست سال‌جاری نزدیک به ۵۰درصد از وزن و ارزش واردات کشور را غلات، ماشین‌آلات و دستگاه‌های مکانیکی، آهن و فولاد، ماشین‌آلات و دستگاه‌های الکتریکی و قطعات منفصله برای مونتاژ وسایل نقلیه تشکیل دادند. در شش ماهه اول سال‌جاری، سه‌هزار و ۱۵۳هزار تن غلات به ارزش یک‌هزار و ۴۷۱میلیون دلار به کشور وارد شده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته سه‌هزار و ۸۹۶هزار تن به ارزش یک‌هزار و ۲۵۵میلیون دلار بوده و بر این اساس ۱۶/۲۵درصد از نظر وزنی و ۴/۰۳درصد از نظر ارزشی رشد داشته است. همچنین در شش ماهه نخست سال ۹۰، چهارهزار و ۵۴۱هزار تن چدن، فولاد و آهن به ارزش سه‌هزار و ۷۹۵میلیون دلار وارد کشور شده است در حالی که در مدت مشابه سال گذشته این میزان پنج‌هزار و ۴۴۲هزار تن به ارزش سه‌هزار و ۷۷۱میلیون دلار بوده و نشان‌دهنده ۲۲/۶۹درصد افزایش در وزن و ۱۲/۱۱درصد افزایش در ارزش بوده است. در نیمه نخست امسال ۶۷۰هزار تن ماشین‌آلات و دستگاه‌های مکانیکی به ارزش پنج‌هزار و ۸۲۷میلیون دلار وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته که ۶۷۸هزار تن به ارزش پنج‌هزار و ۶۰۶میلیون دلار بوده، رشد ۲/۸۳درصدی در وزن و ۱۸درصدی در ارزش را به‌دنبال داشته است. همچنین میزان واردات ماشین‌آلات و دستگاه‌های الکتریکی به کشور در نیمه نخست امسال ۲۳۴هزار تن به ارزش یک‌هزار ۸۱۴میلیون دلار بوده که در مقایسه با شش ماهه نخست سال ۸۹، ۲۱۹هزار تن به ارزش یک‌هزار و ۴۷۵میلیون دلار بوده است و نشان می‌دهد ۰/۹۱ درصد به لحاظ وزنی و ۴/۷۴درصد به لحاظ ارزشی افزایش داشته است. در نیمه نخست سال ۹۰، میزان واردات قطعات منفصله برای مونتاژ وسایل نقلیه ۱۲۴هزار تن به ارزش یک‌هزار و ۳۶۰میلیون دلار بوده در حالی که این میزان در شش ماهه اول سال گذشته ۱۲۰هزار تن به ارزش یک‌هزار و ۱۷۹میلیون دلار بوده که بیانگر ۰/۵۰درصد رشد از نظر وزنی و ۳/۷۹درصد افزایش در ارزش بوده است.